



خیلواکی

استقلال

www.esteqlaal.net

یکشنبه ۱۹ سپتامبر ۲۰۲۱

ناتور رحمانی

قفس ، قبر ، قیامت ...

این سه کلمه هم آوا و هم معنا ، قانونمندی های کشوری را می سازند که خود هر روز در آتش (بی قانونی) ها مترمتر خاکستر میگردد !!

فریب کاران (قانونی) با اتکا به قانون خودساخته ، که خدمتگار بی بدیل منافع شان است با خوگیری برای انباشتن پول از مجرای غیرقانونی ، غیراخلاقی و فساد اداری سرزمینی را به قفس و قبر و قیامت تبدیل نموده اند هر زنده جانی « اگر به معنای واقعی آن زنده باشند » در آن سرزمین خود را زندانی (قفس) ستم ، حق تلفی و زورگوی می بینند ، آنها زاغه های ویرانه ، سرد ، خالی و تاریک خویشرا (قبر) می انگارند ، وقتی بمب و تفنگ حرف اول را میزند و زمان هرلحظه خون تازه میخورد ، خون تازه بیگناهان را ، وقتی خاک با خون رنگ میشود و بوی اندامهای سوخته آدمها بوی باروت بمب های انتحاری را مضاعف میسازد ، آنها در زیستبوم شان (قیامت) را بوضاحت مشاهده مینمایند ... مگر قیامت اینگونه تعریف نشده است : که آتش های مذاب و سرکش شعله میکشد ، که سیلاب خون جاریست و پیکرهای مسله شده شش جهت میدوند ، که صدای ضجه و شیون از ستم و زجر کارگزاران جهنم به هفت آسمان میرسد ، که وحشتناک ترین صحنه های تحمل ناپذیر و جانگداز قیامت را میسازند پس قیامت آنجاست ، در سرزمین من ، در آنجا بدست کارگزاران جهنمی ، خون و آتش و درد ، اشک و فریاد و ماتم نصیب باشندگان میگردد !!

با تفاوت اینکه در قیامت گنهکاران مجازات میشوند ، اما ، در سرزمین من مردم بیگناه عذاب قیامت را می بینند ...

(قانونی) های غیر قانونی با سلطه جویی ها ، فوقیت طلبی ها ، زد و بندها و سازش های رزیلانه خود در آن سرزمین هیچ چیز نمانده اند ، معنویت را تیرباران کرده و شرافت انسان را به دار زده اند ، بدترین نوع حکومت در آن دیار حکم میراند ، دستگاه فاسد با قصاب های (قانونی) استفاده

جو ، رشوه ستان و وجدان مُرده اش در رده های بالای حکومت (غیرقانونی) به زالو های قانونی اجازه تطبیق قوانین پوچ و ابلهانه ای را میدهند تا زندگانی را در مرثیه ای اندوهبار « قفس و قبر و قیامت » برای انسانهای آن سرزمین تعریف نمایند .

آن مسخره های (قانونی) با ترویج نژاد پرستی ، تاراج دارایی های عامه ، بیکارگی ، کارشکنی ، تعصب عقیدتی زبان زور ، بی بازخواستی ، فرار از منطق و استدلال ، سازش های مزورانه ، ترویج جنگ های داخلی ، قتل عام مردم غیرنظامی با بمبارد هواپیما های « فرشته های نجات » و فراهم نمودن زمینه اشغال وطن ، کشور را به پرتگاه سقوط کشانده اند !!؟

آن قانونی های (قانون فرار) برای چپاول فروتنتر ، و بدست آوردن پول و دارایی های زیادتر هر رذالتی را پذیرا میشوند ، حتی خیانت به وطن و مادر خود را ... آنها ، آن وجدان مُرده های قانونی چشمه های انسانیت و آرامش را می خشکانند ، مهر و محبت ، لطافت عشق و مفهوم خانواده را با بی رحمی نابود میسازند ، آن حرامباره های قانونی تمام داشته های مادی و معنوی ملتی را تباه میکنند ، و مُراوده های انسانی را با تولید و ترویج فقر ، گرسنگی ، وحشت ، مواد مخدر ، بی دانشی ، بیکاری ، خرافه پسندی ، تفتیش عقاید ، دگم مذهبی ، آوارگی و دهها مصیبت دگر آلوده ، گندیده ، کثیف و خالی از باور و اعتماد میسازند .

(امیران غیرقانونی) در سایه های قانون جنگلی شان ، گذشته از دریای اشک و خون ملت به سریر و مسند که « قانونی » حق شان نیست با زور « **تفنگ و تریاک و تقلب** » تکیه زده اند و به توده های تحت ستم دهن کجی مینمایند ، توده های که نگاه های غضب آلود و پُردرد شان مانند پیکان های تیز به صورت تاریخ میخورد ، زمان این را به یاد خواهد داشت .

(قانونی) های غیر قانونی برای کارگزاران موردینی ، دکاندارهای ترفندباز و ریایی عقیده و ایمان هم حق قانونگذاری میدهند ، تا با انجام امور دولتی در سایه دین ، یا کار دینداری در پناه دولت ، خرد و باور انسان را نابود بسازند ، و نور حق و دانش را در پستوی تاریک اندیشه سود جویانه شان بگشند ، تا معنای قفس و قبر و قیامت شکل قانونی اختیار نماید

اگر خرد آزاد باشد همواره در روشنایی اندیشه ، سازنده و انسانی قضاوت خواهد کرد ، اما آنها ، آن مارمولک های دین ، خردگرایی را نمی خواهند ، برای اینکه دکان دین پرستی های زمینی شان برای همیشه بسته میگردد ، مثل دین پرستی سرمایه ، دین پرستی زور ، دین پرستی حرص و آز و شهوت ، دین پرستی سیاست های مردم فریبانه ، دین پرستی نژاد و زبان ، دین پرستی استعمار ، استثمار و استبداد و غیره کار های (غیرقانونی و غیر دینی) شان .

« آنهایی که جاهل بدنیا می آیند ، کودن میمانند و نافهم از جهان میروند ، مواد کار آمد برای مرام های غیر انسانی بی دین های (دین ساز) اند ، تا با نشان دین در پیشانی و کلید بهشت در گردن ، خود را منفجر سازند و سرزمینی را به قفس و قبر و قیامت تبدیل نمایند؟! »

بعد انفجار دستوری ، و بعد نابودی ها و ایرانی ها ، رژیم غیرقانونی (قانونی ها) با چهره معصومانه روحانی واژه های (نفرین و تقبیح) را روی سنگ مزار ناپیدای کشته شدگان ترور و توطئه مینویسند ، و در آنطرف محراب رنگ شده با خون کسان ، ناکسان ضجه های دردناک بیوه ها ، یتیم ها و بازماندگان شهدا را با بی اعتنایی از گوش بدر میکنند ، بعد آن حرام خور های (غیرقانونی) در مقابل خدای زور و سرمایه ، به سر و سینه شان بار بار صلیب میکشند که اهل و تبار ، و زن و فرزند شان دور و دور از حیطة قفس و قبر و قیامت آنطرف اقیانوس ها زنده استند ، آن دشمنان وطن و مردم بسیار رذیلانه در دل می خندند و با خود میگویند : که ما به یک اشاره بادار و به یک عشوه مقام این سرزمین را برای مردمان (قانونی) آن « قفس و قبر و قیامت » ساختیم !!»

به باور اینکه از ژرفنای این قیامت ، از دل سرد این قبر و از تنگناهی این قفس قیامی برخیزد عصیانگر ، پُرسیتیز ، خاشه سوز و مردمی ، قیام آتشین و شعله ورتز از قیام های « سوم حوت ، هرات ، چنداول ، بالاحصار ، کزها ، افشار ، پنجشیر و ... » و دگر بخش های افغانستان سرزمین آزادگان تاریخ، قیامی در کار است تا قیامت خدا برپا شود برای نسل از خراتین، تا تبار تبرکشان تباهی را قید قفس دست ساخت خودشان نموده و با قضاوت برحق مردم ستمدیده افغانستان و به حکم « قانونی » تاریخ دیار رنجبران قبر خود را به دست های تبه کار خود با بدنامی های ماندگار برکنند.

آنگاه از همه گور های دسته جمعی از هر گوشه این مُلک ، از پیکر سوخته هزارها شهید گمنام این صدا را جهان خواهد شنید ((نفرین ابدی بر شما ، بی وجدان ترین برده ها و غلام های حلقه بگوش سیستم های آدمخوار استعمار جهانی ، نفرین بر شما))